

تاریخ پوشیده‌آیه چهلّم - نمبر اکتیس

حزقی‌اّل ژماره دوازده‌هم

Jeff Pippenger

2026-09-20

مقاله پیشین با این بند پایان یافت که چنین می‌گفت: «ازدواج عهده‌ی سال ۳۱۳، نمایانگر آخرین ازدواج عهده‌ی قدرت‌پایی با ایالات متحده‌ی امریکا است—نخستین پادشاه از ده پادشاه مکاشفه‌ی هفدهم؛ قدرتی دوشاخ که به‌وسیله‌ی قدرت دوشاخ فرانسه نمونه‌وار گردیده است. تاریخی که با کلوویس در سال ۴۹۶ آغاز شد و سرانجام به فرمان یوستینیان در سال ۵۳۳ و بر تخت نشستن پاپیت در سال ۵۳۸ انجامید، نمایانگر تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه است.»

رونالد ریگن در سال ۴۹۶ به‌واسطه‌ی کلوویس نمونه‌وار گردید، و دونالد ترامپ در سال ۵۳۳ به‌واسطه‌ی ژوستینیان نمونه‌وار است. فرمان ژوستینیان پنج سال پیش از آن صادر شد که پاپیت در سال ۵۳۸ بر تخت برآمد، و فرمان میلان هشت سال پیش از نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱ صادر گردید. هم فرمان و هم فرمان میلان، به‌مثابه‌ی نشانه‌ی راهی که پیش از قانون یکشنبه قرار دارد، با یکدیگر انطباق دارند.

ریگن

در سال ۱۸۷۰، نیروهای ایتالیایی روم را تصرف کردند (۲۰ سپتامبر ۱۸۷۰). ایالات پایی به‌عنوان یک دولت سرزمینی از میان رفت، و پاپ پیوس نهم به «زندانی واتیکان» بدل شد. از آن‌جا که دیگر هیچ قلمرو پایی به‌رسمیت شناخته‌شده‌ای به‌عنوان یک دولت مستقل باقی نمانده بود، ایالات متحده (همانند بسیاری از کشورهای دیگر) دیگر روابط دیپلماتیک رسمی با پاپ به‌عنوان یک فرمانروای دنیوی حفظ نکرد. در اکتبر ۱۹۵۱، رئیس‌جمهور هری اس. ترومن، ژنرال مارک دلبیو. کلارک را به‌عنوان سفیر ایالات متحده در واتیکان نامزد کرد. به‌سرعت مخالفتی شدید از سوی بسیاری از کلیساها و سازمان‌های پروتستان پدید آمد، که استدلال می‌کردند این انتصاب ناقض جدایی کلیسا و دولت است. در ژانویه ۱۹۵۲، ژنرال کلارک نامزدی خود را پس گرفت.

در ۱۰ ژانویه ۱۹۸۴، رئیس‌جمهور رونالد ریگان و پاپ ژان پل دوم به‌طور رسمی توافق کردند که روابط کامل دیپلماتیک میان ایالات متحده و مقر مقدس برقرار شود. در ۹ آوریل ۱۹۸۴، ویلیام ای. ویلسون (که پیش از آن نیز به‌عنوان نماینده‌ی شخصی ریگان خدمت می‌کرد) استوارنامه‌ی خود را تقدیم کرد و نخستین سفیر ایالات متحده نزد مقر مقدس شد.

در طول سی‌وسه سال، از ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۴، مقاومت پروتستانیسم در برابر کاتولیسیسم از میان رفت. «بازوانی» که در سال ۴۹۶ با کلوویس برای پاپیت قیام کردند، در سال ۱۹۸۴ در ریگان و تا ۱۹۸۹ تمثیل می‌یابند. کلوویس نمایانگر برداشته شدن دینی بود (بت‌پرستی) که پاپیت را از برخاستن دوباره به قدرت بازمی‌داشت؛ و تا سال ۱۹۸۴، مقاومت پروتستانیسم در برابر اوج‌گیری پاپیت نیز برداشته شده بود. «قربانی دائمی» (بت‌پرستی) برداشته شده بود، و پولس این برداشته شدن مقاومت بت‌پرستی در برابر پاپیت را «ارتداد» توصیف می‌کند.

کلیسای نمادین سازش، که به‌وسیله‌ی کنستانتین کبیر و تاریخ ۳۱۳ تا ۵۳۸ نمود یافته است، دوره‌ای را نمایان می‌ساخت که در آن کلیسایی با خود سازش کرد و از ایمان سقوط نمود. دینی که به‌وسیله‌ی «۵۰۸» نشان داده شده است و پیش‌تر یورش‌های قدرت پایی را مهار کرده بود، نمونه‌ای از ارتداد

پروتستان‌ها در ایالات متحده بود. ریگان به وسیلهٔ کلویس نموده شده بود. در سال ۴۹۶، کلویس «قدرت» خود را به پاپیت سپرد، و بدین‌سان نمونه‌ای از «ائتلاف نامقدس» گردید که در سال‌های ریگان به انجام رسید. کلویس همچنین نمایانگر برداشته شدن «دائمی» در ۵۰۸ بود. ۵۰۸ نمونهٔ ۱۹۸۴ بود.

«این سازش میان بت‌پرستی و مسیحیت به پیدایش «مرد گناه» انجامید که در نبوت پیشگویی شده بود تا در برابر خدا بایستد و خویشتن را برتر از او برافرازد. آن دستگاه عظیم دین باطل، شاهکار قدرت شیطان است—یادبودی از تلاش‌های او برای نشستن بر تخت و فرمان راندن بر زمین مطابق ارادهٔ خویش.» جدال عظیم، 50.

ریگن در سخنرانی مشهوری در سال ۱۹۸۳ اتحاد جماهیر شوروی را «امپراتوری شر» خواند و کمونیسم الحادی را تهدیدی عمیقاً اخلاقی و روحانی می‌دانست. او و ژان پل دوم در برابر کمونیسم شوروی، شراکتی نزدیک، هم در عرصهٔ شخصی و هم سیاسی، پدید آوردند. هر دو این مبارزه را در چارچوبی اخلاقی و حتی مشیت‌باورانه می‌دیدند؛ ریگن در محافل خصوصی از «نقشه‌ای الهی» برای فروپاشاندن کمونیسم سخن می‌گفت. ریگن به ظهورات فاطیما علاقه‌مند بود (هشدار اینکه «روسیه خطاهای خود را در جهان منتشر خواهد کرد») و آن دو رهبر دربارهٔ این احساس مشترک خود گفت‌وگو می‌کردند که خدا جانشان را (هر دو در سال ۱۹۸۱ از سوءقصد جان سالم به در بردند) برای مقصودی مرتبط با شکست دادن کمونیسم حفظ کرده است.

شاگردان مسیح

ریگن در فرقهٔ «شاگردان مسیح» پرورشی یافت؛ فرقه‌ای که پدران بنیان‌گذارش به صراحت تعلیم می‌دادند که پاپ کاتولیسیم همان ضد‌مسیح است. الکساندر کمپبل، برجسته‌ترین رهبر آغازین کلیسای «شاگردان مسیح»، بارها دستگاه پاپی را به عنوان ضد‌مسیح معرفی کرد. او در مناظره‌ها و نوشته‌های خود استدلال می‌کرد که شاخ کوچک دانیال ۷، وحش مکاشفه ۱۳، و مرد گناه ۲ تسالونیکیان ۲، همگی به پاپ‌های روم اشاره دارند. او این تطبیق‌ها را در مناظره‌های عمومی به کار می‌برد (از جمله در مناظره با اسقف کاتولیک، جان ب. پرسل، در ۱۸۳۷). بارتون و. استون حکومت پاپ را ضد‌مسیح حقیقی و «مرد گناه» می‌خواند. والتر اسکات (یکی دیگر از مبشران آغازین این جنبش) نوشت که مرد گناه، یعنی پاپ روم، در کلیسای مسیحی برخواهد خاست و خویشتن را برتر از خدا خواهد افراشت.

مادر ریگان، نل، عضو مؤمن فرقهٔ «شاگردان مسیح» بود و مهم‌ترین تأثیر دینی را در دوران کودکی او داشت. ریگان در یازده سالگی در کلیسای «شاگردان مسیح» در دیکسون ایالت ایلینوی تعمید یافت و در نوجوانی در آنجا فعال بود (از جمله در تدریس مدرسه یکشنبه). او در کالج یوریکا تحصیل کرد که وابسته به «شاگردان مسیح» بود.

«آنان که در فهم کلام دچار سردرگمی می‌شوند و از درک معنای ضد‌مسیح بازمی‌مانند، بی‌گمان خود را در جانب ضد‌مسیح قرار خواهند داد. اکنون دیگر برای ما زمانی نیست که با جهان همرنگ و همسو شویم.» Kress Collection, 105.

ریگان به واسطهٔ کلویس و نیز از رهگذر مصالحهٔ کنستانتین کبیر به گونه‌ای نمادین نمایانده شد. ریگان همچنین نخستین هشت رئیس‌جمهور واپسین از زمان پایان در سال ۱۹۸۹ بود. او، به عنوان نخستین آن هشت رئیس‌جمهور واپسین، نمونهٔ پیشین دونالد ترامپ است؛ کسی که، همانند ریگان، دربارهٔ اهداف حقیقی پاپیت و نیز این که پاپیت چه کسی است، به شدت دچار سردرگمی است.

آیا دو نفر می‌توانند با هم راه بروند، مگر آنکه با یکدیگر موافق باشند؟ عاموس ۳:۳.

ششمین و آخرین ازدواج معاهده‌ای در باب یازدهم دانیال در تاریخی رخ می‌دهد که از زمان آخر در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و در تاریخ دونالد ترامپ پایان می‌یابد.

«در جنبش‌هایی که اکنون در ایالات متحده برای تأمین حمایت دولت از نهادها و رسوم کلیسا در جریان است، پروتستان‌ها در جای پای کاتولیک‌ها گام می‌نهند. بلکه بیش از این، آنان در را می‌کشایند تا پاپیت در آمریکای پروتستان آن برتری‌ای را که در جهان قدیم از دست داده است، باز یابد.» The Great Controversy, 573.

معاهده ازدواج ۳۱۳ و فرمان میلان با تاریخ ۵۳۳ هم‌راستا است، و فرمان یوستینیان در ۵۳۳ بار دیگر به وسیله یک حکومت مدعی مسیحیت به اجرا درخواهد آمد؛ حکومتی که دیگر در نمی‌یابد که شناسایی قدرت پاپی به عنوان نهادی مسیحی، در بهترین حالت تناقضی در خود، و در بدترین حالت، فریبی مرگبار است.

کلیسا و دولت

در سال ۴۵۷ پیش از میلاد، سومین فرمان اردشیر، حاکمیت ملی را هم در اقتدار سیاسی و هم در اقتدار دینی بازگردانید.

و تو، ای عزرا، بر حسب حکمت خدای خویش که در دست توست، والیان و داوران بگمار تا بر تمامی مردمانی که آن سوی نهرند، یعنی بر همه آنان که شریعت‌های خدای تو را می‌دانند، داوری کنند؛ و شما به آنان که نمی‌دانند، تعلیم دهید. و هر که شریعت خدای تو و شریعت پادشاه را به جا نیاورد، حکم بی‌درنگ بر او جاری شود، خواه به مرگ، یا به تبعید، یا به ضبط اموال، یا به زندان. عزرا ۷:۲۵، ۲۶.

سومین فرمان، اختیار اجرای داوری و مجازات را هم برای شریعت‌های خدا و هم برای قوانین پادشاه فراهم ساخت. آن فرمان، آغاز نبوت دو هزار و سیصد ساله را رقم زد که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هنگامی که مسیح ناگهان به هیکل خود آمد، به پایان رسید. همچنین، آغاز نبوتی دویست و پنجاه ساله را نشان کرد که در سال ۲۰۷ پیش از میلاد، در تاریخ میان نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد و پانیوم در ۲۰۰ پیش از میلاد، به پایان رسید. اعاده هر دو حاکمیت مدنی و دینی در ۴۵۷ پیش از میلاد، یک آلفای دوگانه را مشخص می‌سازد که دو تحقق امگایی می‌یابد. هر دو تحقق امگایی نمایانگر در بسته‌اند؛ یکی برای شاخ پروتستان و دیگری برای شاخ جمهوری‌خواه.

پیشگویی نخست دو هزار و سیصد ساله، نمایانگر شریعت‌های خدا بود، و پیشگویی دویست و پنجاه ساله، نمایانگر قوانین پادشاه. این دو پیشگویی، شاخ پروتستان‌تیسیم و شاخ جمهوری‌خواهی را بر وحش زمین مکاشفه سیزده مشخص می‌کنند. شاخ جمهوری‌خواه وحش زمین در میانه آیات یازده تا شانزده دانیال یازده قرار داده شده است. دوره هفده ساله میان رافیا و پانیوم، به وسیله یکی از شاخ‌ها از پیشگویی دوگانه فرمان سوم در BC 457 قطع می‌شود. این پیشگویی مضاعف، هم داوری قوم عهد نهایی را مشخص می‌کند و هم داوری آن ملتی را که آن قوم عهد ریشه‌های خود را در آن می‌یابد.

و او به ابرام گفت: «یقیناً بدان که ذریت تو در سرزمینی که از آن ایشان نیست، غریب خواهند بود، و آنان را خدمت خواهند کرد؛ و ایشان چهارصد سال بر آنان ستم خواهند نمود. و نیز آن امتی را که ایشان خدمت خواهند کرد، من داوری خواهم کرد؛ و پس از آن، با اموال بسیار بیرون خواهند آمد.» پیدایش 13:15، 14

در کتاب حزقیال، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به واسطه ۲۲ اکتبر ۵۷۳ پیش از میلاد به صورت نمادین تصویر شده است. یکی از این دو تاریخ آغاز داوری تحقیقی را مشخص می‌کند و دیگری نواخته شدن شیپور یوبیل را هم در آغاز و هم در پایان فرایند داوری معین می‌سازد. هر دو تاریخ بر یکدیگر منطبق‌اند، و هر دو بر در بسته دلالت دارند. سال ۱۸۴۴ نمایانگر بسته شدن در مکان مقدس است، هنگامی که مسیح به مکان اقدس داخل شد. سال ۵۷۳ پیش از میلاد پایان مهلت آزمون بشر را مشخص می‌سازد؛ زمانی که بردگان گناه که فدیة یافته‌اند آزادی خود را دریافت می‌کنند و زمینی نو برای سکونت به ایشان عطا می‌شود.

و اگر او در این سال‌ها فدیة داده نشود، آنگاه در سال یوبیل، او و فرزندانش همراه او آزاد خواهند شد. زیرا بنی‌اسرائیل برای من بندگانند؛ ایشان بندگان من‌اند که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردم؛ من یهوه، خدای شما هستم. لاویان ۲۵:۵۴، ۵۵.

هر دو ۲۲ اکتبر، در بسته قانون یکشنبه قریب‌الوقوع را نمایان می‌سازند. دوره مهلت اعطاشده به ادونتیسیم در سال ۱۸۴۴ آغاز شد و با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع پایان می‌یابد، و دوره مهلت اعطاشده به ایالات متحده نیز با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد. هر دو پایان با دو شاهد ۲۲ اکتبر، یعنی دو هزار و سیصد سال و دویست و پنجاه سال، همسو هستند.

دویست و پنجاه سالی که در تاریخ میان رافیا و پانیوم به پایان می‌رسد، دوره این دو نبرد را به دو عدد نمادین تقسیم می‌کند که با هم، معنای ویژه خاص خود را دارا هستند. ده سال پس از رافیا، که به معنای سرحد است، و هفت سال پیش از پانیوم، که نبردی بود بر دشتی انجام‌شده و به محاصره‌ای پایان یافت. ده و هفت، به‌عنوان نماد، قدرت اژدها را بر پایه چندین شاهد معرفی می‌کنند. سال ۲۰۷ ق.م.، ترامپ را—که نماد وحش زمین است—از لحاظ نبوی، در میان آیات یازده و پانزده دانیال یازده قرار می‌دهد و او را برای سخن گفتن همچون اژدها مهیا می‌سازد، چنان‌که این امر با ترکیب عدد ده و عدد هفت به تصویر کشیده شده است.

هفده نیز دارای معنای نمادین است، و تاریخ از رافیا تا پانیوم را به فراتر از پانیوم و نیز به پیش از رافیا بسط می‌دهد. بطلمیوس چهارم فیلوباتور از سال ۲۲۱ ق.م. تا ۲۰۴ ق.م. به‌عنوان پادشاه مصر بطلمیوسی سلطنت کرد، و او در سال ۲۱۷ ق.م. آنتیوخوس مگنوس را در رافیا شکست داد. بطلمیوس پیش از رافیا آغاز به سلطنت کرد، و به مدت «هفده» سال سلطنت نمود. عدد هفده نمایانگر یک دوره تاریخی است که پیش از رافیا آغاز می‌شود و از نبرد پانیوم و محاصره صیدون فراتر رفته، تا پایان مهلت آزمایش انسان، آن‌گونه که به‌وسیله سال ۳۳۰ نمود یافته است، امتداد می‌یابد. نبوت دویست و پنجاه‌ساله برای دوره کلیسای سمیرنا در سال ۶۴ آغاز شد و در فرمان میلان و معاهده ازدواج سال ۳۱۳ به پایان رسید.

قسطنطین کبیر نماینده تاریخ کلیسای پرغامس است، و آن تاریخ در سال ۳۱۳ آغاز شد و در ۵۳۸ به پایان رسید. هفده سال نخست پس از پایان نبوت دویست و پنجاه‌ساله در ۳۱۳، دارای سه نقطه عطف است. ۳۱۳ فرمان میلان بود، ۳۲۱ نخستین قانون یکشنبه بود، و تقسیم امپراتوری در ۳۳۰ مشخص می‌شود. سال ۳۳۰ نماینده قانون نهایی یکشنبه است که پایان مهلت آزمایش بشر را نشان می‌دهد. بنابراین، عدد هفده پیش از رافیا آغاز می‌شود و بسیار پس از لشکرکشی نظامی پانیوم و صیدون پایان می‌یابد. آیه شانزدهم در دانیال یازده نماینده قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا است.

پیشگویی اسمیرنا نشانه محاصره را مشخص می‌سازد؛ همان نشانه‌ای که دقیقاً در قلب پیام هشداردهنده حزقیال قرار دارد. نشانه‌ای که پیش از قانون یکشنبه واقع می‌شود، چنان‌که در دو تصویر از ویرانی اورشلیم به نمایش درآمده است، محاصره است؛ اما همچنین فرمان میلان نیز هست، که آغاز شکل‌گیری تصویر وحش را رقم می‌زند.

در هنگام محاصره، یک راهپیمایی ازدواج عهدی رخ خواهد داد. این، فراکتالی از راهپیمایی ازدواجی است که با ریگان آغاز شد، چنان که به واسطه کلویس در سال 496 نمادپردازی شده است؛ اما راهپیمایی نهایی به سوی ازدواج، در هنگام محاصره آغاز می شود و با فرمان ژوستینیان در 533، و نیز با فرمان میلان در 313، هم راستا است. هر دو نشانه راه پیش از قانون یکشنبه قرار دارند. سال 313 پیش از نخستین قانون یکشنبه در 321 بود، و فرمان 533 پیش از قانون یکشنبه در سومین شورای اورلئان در 538 قرار داشت. نوعی قانون گذاری، ویژگی های نبوی هر دو، یعنی فرمان ژوستینیان و فرمان میلان، را به انجام خواهد رساند، در حالی که نوعی ازدواج عهدی نمادین نیز برقرار خواهد شد.

وقتی آن فرمان صادر می شود، دیگر برای آماده شدن بسیار دیر شده است، زیرا در مهلت آزمایش بر شاخ پروتستان بسته شده است، همان گونه که بی تردید در نخستین پسج در مصر بسته شد. از آن پس، قانون یکشنبه، که نشانه بعدی است، تنها این را مشخص نمی سازد که تصویر وحش به طور کامل شکل گرفته است، بلکه اجرای نشان وحش را نیز معین می کند. قانون یکشنبه پایان مهلت آزمایش برای شاخ جمهوری خواه، یعنی وحش زمین مکاشفه سیزده، را رقم می زند، همان قدر یقینی که فرعون و سپاهش پس از پسج در دریای سرخ هلاک شدند.

و ه دھائی سو سال جو 207 قبل مسیح پر اختتام پذیر ہوتے ہیں، ڈونلڈ ٹرمپ کی نشان دہی کرتے ہیں، جیسا کہ آنے والی مہم کی تیاری کرتے ہوئے انطیوخس اعظم کے ذریعہ پیش کیا گیا ہے، جو پینیوم کے میدان سے شروع ہوتی ہے اور صیدا کے محاصرہ پر ختم ہوتی ہے۔ جنگ پینیوم کے بعد، بطلمیوسی سپہ سالار، اسکوپاس ایتولیہ، تقریباً 10,000 زندہ بچ جانے والے سپاہیوں کے ساتھ شہر صیدا کی طرف فرار ہو گیا۔ انطیوخس نے اس کا تعاقب کیا اور صیدا کا 'محاصرہ' کر لیا۔ اسکندریہ میں بطلمیوسی حکومت نے امدادی فوج روانہ کی، لیکن وہ ناکام رہی۔ بھوک کے سامنا میں، اسکوپاس نے شہر سپرد کر دیا۔ انطیوخس نے اسکوپاس کو نکل جانے کی اجازت دی؛ اسکوپاس بعد میں مصر واپس آ گیا، جہاں بالآخر اس پر غداری اور خردبرد کے الزامات کے تحت اسے سزائے موت دے دی گئی۔ صیدا کے محاصرہ نے پینیوم کے بعد انطیوخس کی کوئلے-سوریہ کی فتح کو مکمل کر دیا۔

خواہر وایت کتاب اوریا اسمیت، Daniel and the Revelation، را «دست یاریگر خدا» معرفی می کند. اسمیت در تفسیر خود بر آیات چہارہ و پانزدہ دانیال یازدہ، لشکرکشی دو مرحلہ ای انطیوخس را مشخص می سازد.

«تعلیم و تربیت پادشاہ جوان مصر از سوی سنای روم بہ م. امیلیوس لپیدوس سپردہ شد، و او آریستومنس، وزیر کھنہ کار و مجرب آن دربار، را بہ سرپرستی وی گماشت. نخستین اقدام او این بود کہ در برابر تہاجم مورد تہدید آن دو پادشاہ ہم پیمان، فیلیپ و آنتیوخوس، چارہ اندیشی کند.»

«با این منظور، او اسکوپاس، سردار نامدار ایتولیا را، کہ در آن هنگام در خدمت مصریان بود، بہ سرزمین مادری اش فرستاد تا برای سپاہ نیروہای کمکی فراہم آورد. چون سپاہی را مہجہ ساخت، بہ فلسطین و کولہ سورہ لشکر کشید (در حالی کہ آنتیوخوس در آسیای صغیر در جنگ با آتالوس مشغول بود) و تمامی یہودیہ را بہ اطاعت از اقتدار مصر درآورد.»

«بدین سان اوضاع برای تحقق آیہ پیش روی ما مہیا شد. زیرا آنتیوخوس، کہ بہ فرمان رومیان از جنگ خود با آتالوس دست کشیدہ بود، بی درنگ اقداماتی برای بازپس گیری فلسطین و سورہ جوفیہ از دست مصریان بہ عمل آورد. اسکوپاس برای مقابلہ با او فرستادہ شد. در نزدیکی سرچشمہ های اردن، دو سپاہ با یکدیگر رویاروی شدند. [Panium] اسکوپاس شکست خورد، تا صیدون تعقیب شد، و در آنجا در محاصرہ ای سخت گرفتار آمد. سہ تن از زدہ ترین سرداران مصر، ہمراہ با بہترین نیروہایشان، برای شکستن محاصرہ فرستادہ شدند، اما کامیاب نشدند. سرانجام، اسکوپاس چون در شب نحیف و نامحسوس قحطی با دشمنی روبہ رو شد کہ توان مقابلہ با آن را

نداشت، ناگزیر شد با شرایط خفت‌بار صرفاً حفظ جان تسلیم شود؛ پس از آن، به او و ده هزار تن از مردانش اجازه داده شد که برهنه و تهی‌دست بیرون روند. این بود تسخیر استوارترین شهرها به دست پادشاه شمال؛ زیرا صیدون، هم از حیث موقعیت و هم از جهت استحکامات، یکی از نیرومندترین شهرهای آن روزگار بود. این بود ناتوانی سلاح‌های جنوب از ایستادگی، و نیز ناکامی مردمی که پادشاه جنوب برگزیده بود؛ یعنی اسکوپاس و نیروهای ایتولیایی او.» دانیال و مکاشفه، ۲۵۷، ۲۵۸.

دو سو پنجاه سالی که در سال ۲۰۷ قبل از میلاد به پایان می‌رسد، دونالد ترامپ را شناسایی می‌کند. نبوتِ دویست‌وپنجاه‌ساله‌ای که در سال ۳۱۳، با ازدواج معاهده‌ای شرق و غرب و فرمان میلان، پایان می‌پذیرد، در حال شناسایی شکل‌گیری صورتِ وحش در ایالات متحده است. کلیسای پرغامس، که در سال ۳۱۳ آغاز شد، نمایانگر تاریخی است که در آن مسیحیت، از طریق مصالحه‌ای با دین بت‌پرستی، پیش از آنکه قدرت پاپی بر تخت بنشیند، سقوط کرد و از ایمان منحرف شد. پرغامس و سال ۳۱۳، نمودار همان مصالحه‌ای است که با شکل‌گیری صورتِ وحش در ایالات متحده بازنمایی می‌شود. این، نمایانگر مصالحه میان مسیحیت و روم پاپی است، زیرا دین کاتولیسیسم چیزی بیش و چیزی کمتر از بت‌پرستی مبدل‌شده در لباس یک نهادِ مسیحی نیست. نبوتِ دویست‌وپنجاه‌ساله‌ای که در سال ۱۷۷۶ آغاز شد و امسال پایان می‌یابد نیز به ایالات متحده می‌پردازد. بنابراین، هر سه نبوتِ دویست‌وپنجاه‌ساله به جنبه‌ای نبوی از وحش زمین مکاشفه سیزده اشاره دارند، و هر سه در درون خطوطِ نبوی‌ای که با عدد هفده بازنمایی می‌شوند، به پایان می‌رسند.

قانون یکشنبه زمانی است که ایالات متحده همچون اژدها سخن می‌گوید، و سخن گفتن یک ملت عبارت است از اقدام مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن.

«سخن‌گفتن» آن ملت، عمل مراجع قانون‌گذاری و قضایی آن است.» نبرد عظیم، 442.

ترمپ نه قضایی او نه هم مقننه واکمینی لری، نو دېر ژر راتلونکی د یکشنبې قانون د کان‌گرس له خوا عملي کېږي. خو هر هغه اقدام چې د پاپي ځواک ملاتړ برابروي، د یکشنبې د قانون تمثيل کوي. د 533 فرمان، او د 313 حکم، د هغې دورې پيل څرگندوي چې په کې د ځناور ان‌ځور جوړېږي. پایله یې هماغه دېر ژر راتلونکی د یکشنبې قانون دی، او عیسی تل پای له پیل سره څرگندوي؛ نو د ترمپ هغه اقدام چې د یو اجرائیه فرمان له لارې به د کتاب مقدس د نبوت د دجال لپاره هر ډول «امتیاز» برابر کړي، د هغه خوځښت الفا به وبلل شي چې یوازې په اومي‌گا کې پای ته رسېږي، هغه وخت چې متحده ایالات «د خپل حکومت له اصولو څخه به داسې انکار وکړي چې د یکشنبې قانون به نافذ کړي.»

«بسیاری هستند، حتی از میان کسانی که در این جنبش اجرای اجباری یکشنبه درگیرند، که نسبت به نتایجی که در پی این اقدام خواهد آمد، کور شده‌اند. آنان نمی‌بینند که مستقیماً بر ضد آزادی مذهبی ضربه می‌زنند. بسیاری هستند که هرگز ادعاهای سبت کتاب مقدسی و بنیاد باطلی را که نهاد یکشنبه بر آن استوار است، درک نکرده‌اند. هر جنبشی به نفع قانون‌گذاری مذهبی، در واقع عملی از امتیازدهی به پاپیت است؛ همان قدرتی که در طول قرون بسیار، پیوسته با آزادی وجدان جنگیده است. رعایت یکشنبه، به عنوان نهادی به اصطلاح مسیحی، موجودیت خود را مدیون «سر بی‌دینی» است؛ و اجرای اجباری آن، در عمل، به رسمیت‌شناختن اصولی خواهد بود که همان سنگ زاویه رومی‌گری است. هنگامی که ملت ما تا بدین حد از اصول حکومت خود دست بشوید که قانونی برای یکشنبه وضع کند، پروتستانیسم در این عمل با پاپیت دست اتحاد خواهد داد؛ و این چیزی جز جان‌بخشیدن به آن استبدادی نخواهد بود که از دیرباز با اشتیاق در کمین فرصت خویش بوده است تا بار دیگر به صورت استبدادی فعال سر برآورد.» Testimonies, volume 5.

هر «جنبشی به سودِ قانون‌گذاری دینی، در حقیقت عملی از سر امتیازدادن به پایت است»، و آن جنبش‌ها پیش از قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، رخ می‌دهند.

«فرمانی که عبادت این روز را الزام‌آور می‌سازد، باید به تمام جهان صادر شود. این فرمان تا اندازه‌ای محدود، هم‌اکنون نیز صادر شده است. در چندین جا، قدرت مدنی با صدای اژدها سخن می‌گوید، درست همان‌گونه که آن پادشاه بت‌پرست با اسیران عبرانی سخن گفت.» Signs of the Times، 6 مه 1897.

ما این مطالب را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.